

## به بهانه حوادث هلند

قتل یک کارگردان هلندی در ماه گذشته به دلیل فیلم تلویزیونی جنجالی اش علیه اسلام، بار دیگر رسانه‌های خبری جهان را متوجه مسلمانان و برخوردهای خشونت‌آمیز مذهبی کرد. متعاقب این قتل، و پس از مراسم احساس برانگیز سوزاندن پیکر فیلمساز هلندی، که صدها نفر در آن شرکت کرده بودند، گروه‌های افراطی در عکس العمل انتقامی به بیش از ۲۰ مسجد و مدرسه اسلامی در شهرهای مهم هلند حمله کرده و بعضاً آنها را به آتش کشاندند. پارلمان هلند با محکوم کردن "ترور"، به کشورهای عضو بازار مشترک اروپا درباره رشد افراط‌گری در میان جوانان مسلمان هشدار داد و تدابیری برای مقابله با مهاجرانی که نمی‌توانند خود را با قوانین آن کشور هماهنگ کنند اتخاذ نمود. حزب افراطی تازه‌ای با سیاست‌های مهاجرستیز تأسیس شد و اتهام: "اسلام علیه تمدن غرب" بار دیگر مطرح گردید.

چنین واقعه‌ای، در برخورد با حملات تبلیغاتی عادی یا برنامه‌ریزی شده علیه اسلام، نه تازگی دارد و نه آخرین آنها محسوب می‌شود. چرا که زمینه‌های تحریک و بهانه در دو طرف قضیه وجود دارد و به نظر می‌رسد در آینده نیز گسترده‌تر گردد.

سال گذشته مراسم انتخاب ملکه زیبائی جهان در اتیوپی!! با تحریک یکی از روزنامه‌ها، که به مزاح نوشته بود: "اگر پیامبر اسلام در این زمان حضور داشت حتماً یکی از کاندیداها را انتخاب می‌کرد!" شورش گسترده‌ای با آتش‌سوزی شهر را فرا گرفت که به خاطر تیراندازی پلیس چندین نفر کشته شدند. معمولاً المپیادهای ورزشی، علمی و هنری را در کشورهای قرار می‌دهند که در آن رشته‌ها سابقه‌دار و پیشتاز باشند. آیا یک کشور اسلامی با مردم سیاه آفریقایی را میزبان مسابقات ملکه زیبائی جهان قرار دادن، دهن کجی به معتقدات آن مردم و نمایش علنی برهنگیو حرکتی علیه پوشیدگی نیست؟ چه کسانی با تندروی، تحریک تندروی‌های متقابل می‌کنند؟

آنچه مهم است، ارزیابی عکس‌العمل‌های افراطی انجام شده و سبک سنگین کردن دستاوردهای حاصله است. باید منصفانه و بدون تعصب و تنگ‌نظری سود و زیان و بازتاب شیوه‌های انجام شده را در ترازوی نقد قرار داد. آنها که به چنین اقدامات خشنی دست می‌زنند، از هر ملیت مسلمان، معتقد هستند سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل تهاجمات تبلیغاتی و توهین‌های وقیحانه علیه مقدسات مذهبی بی‌غیرتی است و مسلمانان وظیفه دارند با عکس‌العمل شدید و کوبنده‌ی خود آنچنان رعب و وحشتی در دل دشمنان ایجاد کنند تا دیگر به خود اجازه جسارت و حرمت‌شکنی ندهند. این گروه با تصریح بر این امر که تهاجمات تبلیغاتی از این دست،

حلقه‌ای از سلسله توطئه‌های طراحی شده توسط سیاست‌های صهیونیستی و امپریالیستی علیه اسلام است، می‌گویند ساده‌نگری است اگر آنها را طبیعی تلقی کرده و به حساب آزادی بیان در جوامع سکولار بگذاریم.

به عنوان مثال، درباره همین واقعه هلند، به سوابق ضدیت فیلمساز مقتول "تئو ون گوگ" با اسلام، همچنین پیشینه فیلمنامه‌نویس آن اشاره می‌کنند. ون گوگ افکار شدیداً ضد مذهبی خود را در برنامه‌های تلویزیونی و مقاله‌های انتقادی‌اش علیه روحانیون مسلمان هلندی و نظریات آنها درباره زنان در سالهای اخیر به کرات نشان داده بود. او بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر "جهاد اسلامی" را به باد حمله گرفت و کتابی تحت عنوان: "الله بهتر می‌داند" علیه اسلام نوشته بود و اینک به بهانه رفتار خشن برخی از مردان مسلمان با همسران خود، در صحنه‌ای شهوانی بدن عریان زن مسلمانی را نشان می‌دهد که آیاتی از قرآن در کنار آثار شلاق بر نقاط حساس آن خطاطی شده است. قابل توجه اینکه دوست نزدیک او "پیم فورتاین" (Pim Fortuyn) نماینده راستگرا و همجنسگرای پارلمان هلند که در سال ۲۰۰۰ به خاطر افکار نژادپرستانه ضد مهاجر خود به قتل رسیده بود نیز شدیداً ضد اسلام بود.

خانم "حرثی علی" مهاجر سومالیایی تبار و نماینده کنونی پارلمان هلند نیز که فیلمنامه و گفتار فیلم از او است، در سوابق ضد اسلامی خود دست کمی از ون گوگ ندارد. او که از نظر شخصی تجربه تلخی در جامعه بسته و عقب‌افتاده کشوری آفریقائی با آداب قشری اسلامی مخلوط با سنتهای قبیله‌ای (همچون ختنه دختران) داشته، پس از محکومیت اخلاقی در کشور خود و پناهنده شدن به هلند، به تصور تساوی اسلام راستین با آنچه به نام اسلام توسط همکیشانانش در سومالی عمل می‌شود، به انتقاد شدید علیه این شریعت و احکام آن پرداخته و با استفاده از تریبون‌های تبلیغاتی مهمی همچون نمایندگی پارلمان و حزب، پایگاهی علیه اسلام تأسیس نموده است. تا جایی که سفیران کشورهای عربستان سعودی، پاکستان، مالزی و سودان در مذاکره با رئیس حزبی که حرثی در آن عضویت دارد، خواهان اخراج او شده و ۶۰۰ نفر از مسلمانان نیز در تظاهرات خشمگینانه‌ای با اعتراض به عملکرد او خواهان اقدامات قانونی دولت شده‌اند. به این ترتیب فیلم "تسلیم" در پوشش دفاع از حقوق زن، کل شریعت اسلام را با دیدی سطحی و عامیانه و غیر منصفانه مورد تهاجم قرار می‌دهد.

گزارش فوق، بستر قضاوتی است که طرفداران شدت عمل را به شیوه‌های به کار گرفته شده متقاعد کرده است. اما هستند مسلمانان دیگری که به رغم توافق در ضرورت غیرت‌ورزی دینی و بی‌تفاوت و خنثی‌نبودن،

به مؤثر و مفید بودن شیوه‌های افراطی به دلایل زیر ناباور بوده، شیوه‌های منطقی و معقول دیگری را که منطبق بر کتاب الهی و سنت رسول باشد پیشنهاد می‌کنند.

## ۱- آزمون عمل

تجربیات حاصله از حوادث مشابه قبلی نشان می‌دهد که شدت عمل و ارباب و انتقام نه تنها مانع ادامه حمله نشده، بلکه حربه‌ای تبلیغاتی به دست مخالفین داده و با مظلوم نمائی و پوشش دفاع از آزادی بیان و حقوق بشر!، به کار خود ادامه داده‌اند. ساده‌ترین مثال آن کتاب سلمان رشدی است که تیراژ آن از چند هزار به چند میلیون رسید و پیام آن در سرتاسر دنیا پخش شد.

## ۲- انصاف در انتظار

مسئولین کشورهای غربی معمولاً در پاسخ به درخواست مقامات رسمی کشورهای مسلمان برای جلوگیری از فعالیت‌های ضد اسلامی اتباع خود، آشکارا به آزادی‌های مدنی و محدودیت دولت در سانسور فرآورده‌های فرهنگی اشاره می‌کنند و اظهار می‌دارند ما در محدوده مملکت خود، همچون شما، در نقد نظریات دیگران آزاد هستیم و تجاوزی به حریم شما نکرده‌ایم!

به راستی چه کسی مهاجران مسلمان را مجبور کرده است میهن خود را ترک کرده و به هر دلیلی - مقبول یا غیر مقبول - اقامت در سرزمین دیگری را ترجیح دهند؟ ... حال که به دلایل ادامه تحصیل، رفاه بیشتر و یا وجود آزادی‌های سیاسی و امثالهم جلای وطن کرده‌اند، چاره‌ای جز منطبق کردن خود با مقررات کشور جدید ندارند و اگر نمی‌پسندند، می‌توانند به میهن خود مراجعت نمایند. در هر حال انتظار آنکه میزبانان خود را با ما هماهنگ کنند غیر منطقی می‌نماید.

## ۳- غیرت عاقلانه

غیرت دینی به خرج دادن، الزاماً با احساسات عمل کردن، تظاهرات راه انداختن و خشونت نشان دادن یکسان نیست. چه بسا کارهای توضیحی فرهنگی، تبلیغات مثبت و تلاش‌های تربیتی بلند مدت مؤثرتر باشد

## ۴- از ماست که بر ماست

بسیاری از اسلام ستیزان مقیم کشورهای غربی، همچون سلمان رشدی، حرثی علی، ارشاد منجی (نویسنده کتاب در دسر اسلام) و ... مسلمانان شناسنامه‌ای و محصول برداشتهای ارتجاعی و عقب‌افتاده سنت‌گرایان کشورهای خود می‌باشند. این قبیل اشخاص، همین که چشمشان به دنیای دیگری باز می‌شود و از تنگنای خفقان سیاسی یا دینی خلاص می‌شوند، با ضدیت هر چه بیشتر گذشته خود را نفی می‌کنند، و از آنجائی که هر کس درک و برداشت و قرائت خود را از دین و مذهب، مساوی حقیقت دین تصور می‌کند، وقتی در مواجهه با حقایق روزگار به واهی و بی‌پایه بودن اعتقادات مذهبی خود پی می‌برند، آن را به اصل و اساس دین تعمیم و تسری می‌دهند و می‌پندارند دین همان است که خود به آن باور داشته و عمل می‌کردند.

به نظر می‌رسد وقت آن رسیده باشد که ما مسلمانان با تفکیک اصل و اساس دین، که همانا کتاب الهی و سنت رسول است، از حشو و زوائد و خرافاتی که در طول قرن‌ها بر قامت دین روئیده است، زمینه چنین عکس‌العمل‌های افراطی و ضد دین را زائل سازیم. افراط‌گرایی، هم در دفاع خشن و متعصبانه از دین جلوه می‌کند، و هم در ضدیت بی‌پروا و مغرضانه با آن؛ و هر دو، مولد و موجد یکدیگر هستند.

## ۵- آمادگی دشنام شنیدن

بسیاری از جوانان مذهبی، به اصطلاح عامیانه: "زود از جا در می‌روند و مثل ترقه می‌پرنند!..." چرا ما باید تصور کنیم که با یک کتاب و یا یک فیلم و سخنرانی ضد دینی بنای دین فرو می‌ریزد؟ ... آیا به راستی دین آنچنان سست و پوشالی است که چون پر کاه به باد می‌رود؟! ... یا ما سست و پریشان احوال و سطحی و بی‌مطالعه هستیم که از انتقاد دیگران می‌ترسیم و می‌خواهیم بی‌مایگی خود را با مَهر سکوت بر لب دیگران زدن بپوشانیم؟ ... اگر این کلام پیامبر را باور کرده‌ایم که: اسلام (یعنی تسلیم مطلق خدا بودن) برتر است و چیزی بر آن برتری نمی‌یابد (الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه)، چه باک از میدان و مهلت دادن به مخالفین تا آنچه می‌خواهند بگویند و بنویسند و تهیه و تولید کنند. آن را که پاک است از محاسبه چه باک است؟

اشکال اینجاست که ما خود را مساوی اسلام تصور و تبلیغ کرده‌ایم و عملاً می‌بینیم در این رویارویی و خردآزمایی می‌بازیم! چه می‌شود کرد و غیرت دینی را چه کنیم؟...

پاسخ را به نظر می‌رسد پیام پیش‌بینی شده ذیل داده باشد:

...ولتسمعن من الذين اوتوا الكتاب من قبلکم و من الذين اشرکوا اذی کثیرا و ان تصبروا و تتقوا فان ذلک من عزم الامور

« ... شما ای مسلمانان سخنان آزاردهنده فراوانی از کسانی که قبل از شما به آنها کتاب داده شده است (یهودیان و مسیحیان) و همچنین از ناحیه شرک‌ورزان خواهید شنید؛ اما اگر تحمل کنید (صبر) و خود را کنترل نمائید (تقوا)، چنین رفتاری نشانه اراده داشتن در امور است » (۱)

فراز فوق، برداشت شخصی و تفسیر فردی نیست، ترجمه ساده کلام خدا یعنی آیه قرآن است. هر چند با آگاهی‌ها و آمادگی‌ها و انتظارات ما مغایرت داشته باشد! خداوند حکیم از ما خواسته است مادام که مخالفین دست به اسلحه نبرده و عملاً مانع و مزاحم و مخل آزادی‌های ما نشده‌اند، زبان آنها را، هر چند تلخ و گزنده، به نیروی صبر و تقوا (شکیبائی و مهار احساسات) تحمل کنیم.

## ۶- نادیده گرفتن خیانت‌ها

گفتیم که طرفداران شدت عمل، تلاشهای تبلیغاتی این چنین را بخشی از توطئه‌های سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده علیه اسلام تلقی می‌کنند. مسلماً چنین برداشتی خالی از شواهد و مدارک لازم نیست، با وجود این، همان قرآن ما را توصیه کرده است در اینگونه صحنه‌ها (رویاری افکار و اندیشه‌ها) اهل گذشت و صرف‌نظر کردن باشیم:

...ولا تزال تطلع علی خاينه منهم الا قليل منهم فاعف عنهم و اصفح ان اله يحب المحسنين

« ... دائماً بر خیانتی از آنها (یهودیان) آگاه می‌شوی، به استثنای خیلی از آنها. پس از آنها در گذر و چشم

پوش که خدا نیکوکاران را دوست دارد » (۲)

معنای خیانت در زبان عربی معادل همان توطئه‌های پنهانی دشمنان است؛ هر چند ما، به عادت بشری، چنین جرمی را برای عکس‌العمل نشان دادن کافی می‌دانیم، اما خالق حکیم، "عفو" و "صفح" (از صفحه دل یا صفحه صورت زدودن) را توصیه می‌کند. شگفت اینکه مدارا با مخالفین و تساهل و تسامح با خائنین را آیه فوق از اوصاف محسنین شمرده و خدا را دوستدار چنین انسانهایی نامیده است.

## ۷- تعطیل جلسه مخالفین و یا ترک آنان

راحت‌ترین راه خاموش کردن مخالفین، بریدن زبانها، شکستن قلمها و بستن درهاست. کسانی که افق دیدشان از سر بینی‌شان فراتر نمی‌رود، سرکوب سریع را می‌پسندند و از عواقب بلندمدت آن غافل‌اند. اما در این مورد هم خالق که خیر و مصلحت جوامع را بهتر از خودشان می‌داند و به نتایج ظلم و تعطیل آزادی‌ها آگاه‌تر است، در فراز بخشنامه مانندی چنین هشدار داده است:

وقد نزل علیکم فی الكتاب ان اذا سمعتم آیات اله یکفر بها و یستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره....

"و خداوند برای شما در کتاب (قرآن) چنین حکمی نازل کرده است که اگر شنیدید آیات خدا مورد انکار و استهزای گروهی قرار می‌گیرد، با آنها منشینید تا به سخنی دیگر پردازند... « (۳)

کسانی که به تک‌گویی و تک‌شنوی و پیروی چشم و گوش بسته از متولیان عادت کرده و با شعار: "حزب فقط "حزب الله... " بقیه را از میدان بیرون کرده‌اند، می‌پندارند برای حمایت از اندیشه حاکم باید همه جلسات را تعطیل و سانسور را بر سراسر مملکت سایه افکن کرد. در حالی که آیه فوق به وضوح نشان می‌دهد تنها عکس‌العمل مجاز مؤمنین، آن هم در جلسه‌ای که نه آراء و افکار متولیان دینی، بلکه آیات الهی به انکار و استهزاء کشیده می‌شود، ترک جلسه است (در مقام دفاع) نه تعطیل آن!! آن هم نه ترک همیشگی و قهر و جدائی، بلکه ترک کردنی موقت تا زمانی که بحث جلسه عوض شود.

سال نزول آیه فوق ششم هجری است (سال نوزدهم رسالت)، یعنی روزگار اقتدار مسلمانان، نه دوران ضعف و ذلت، که ناگزیر از تحمل مخالفین بوده باشند.

## ۸- دشنام هرگز

در اسلام سنتی و مطابق متون فقهی، دشنام دادن به پیغمبر و امامان و مراجع تقلید مستوجب مرگ می‌باشد (بگذریم از اینکه کسانی اهانت به مسئولین طراز بالای مملکتی را هم مشمول خط قرمز قرار داده‌اند)، اما شگفت اینکه مطابق آیه فوق، خداوند برای انکار و استهزای آیات خود هم کیفری دنیائی قرار نداده و برای

کسی جواز جریمه کردن دیگران را صادر نکرده است! در اسلام نه تنها دشنام مخالفین باید تحمل شود، بلکه دشنام دادن، حتی به بت پرستان نیز مورد نفی قرار گرفته است. نگاه کنید:

ولا تسبوا الذين يدعون من دون اله فيسبوا اله عدوا بغير علم كذالك زينا لكل امه عملهم ثم الى ربهم مرجعهم فينبههم بما كانوا يعملون

«هرگز کسانی را که به جز خدا را می خوانند دشنام ندهید که آنها نیز دشمنانه و جاهلانه خدا را مورد ناسزا قرار خواهند داد. ما این چنین کردار هر گروهی را در نظر خودشان آراسته ایم، سپس بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است و هم او، آنانرا به آنچه می کردند آگاه می کند» (۴)

این نکته که «ما کردار هر گروهی را در نظر خودشان آراسته ایم» نگاه آفریدگار را به نظریات ما نشان می دهد. مفهوم این سخن این است که عقاید و آرمان های هر ملتی برای خودش محترم و مقبول است و گرنه دلیل نداشت به آن دلبسته باشد. در نتیجه؛ دشنام دادن به معتقدات آنان جز تحریک عواطف و احساسات متقابل و برانگیختن عکس العمل دشنام گویی حاصلی ندارد. راه مؤثر، منطق مهر و محبت است؛ آنچنان که خدا به پیامبر رحمت فرمود:

ادع الى ربك بالحكمه والموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ...

«به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن و با آنها (مخالفین) به شیوه ای که بهترین باشد بحث کن» (۵)

## ۹- فقط مقابله به مثل مجاز است

مطابق قانون قصاص که جریمه هر جرم و جنایتی را دقیقاً مساوی آن قرار داده است (چشم در برابر چشم و گوش در برابر گوش و ...)، و به تصریح آیات متعددی، که فقط مقابله به مثل را اجازه داده است (۶) و نه بیشتر (هر چند همه جا فضیلت بخشش را یادآوری و به آن توصیه کرده است)، این سؤال مطرح می شود که چگونه می توان کسی را که کفر گفته، کفر نوشته، یا کافرانه عمل کرده و یا علیه اسلام تبلیغ کرده است کشت؟ در این صورت قانون قصاص چه می شود؟ آیا مفهوم قصاص این نیست که اندیشه را با اندیشه، فکر و منطق را با فکر و منطق و تبلیغات منفی را با تبلیغات مثبت قصاص کرد؟

حضرت علی(ع) در نکوهش متعصبان خشک‌اندیش معاصر خود (خوارج نهروان) که با سیاه و سفید و خودی و ناخودی کردن مردم، نظام شریعت را دگرگون کرده بودند، آنها را به این مضمون ارشاد می‌کند که:

«شما در برخوردتان با مخالفین تر و خشک را با هم می‌سوزانید و همه ضوابط را در هم ریخته‌اید؛ در حالی که پیامبر حکم خدا را درباره زناکار، قاتل و سارق اجرا می‌کرد، ولی بر آنها نماز می‌گذارد، میراثشان را به اهلشان می‌داد (مصادره نمی‌کرد) سهم آنان (حقوق اجتماعی‌شان) را مانع نمی‌شد و نامشان را از اهل اسلام حذف نمی‌کرد» (نهج البلاغه خطبه ۱۲۷).

آیا متعصبان معاصر ما که ادعای اسلام می‌کنند! نباید از آن امام الهام بگیرند؟

## ۱۰- اولویت احترام به روابط خارجی

سالها بود عادت کرده بودیم به محض انتشار کتاب و مقاله و یا نمایش فیلمی علیه اسلام در کشورهای غربی، سفیر آنها را احضار و سفیر خود را فرا خوانده و تهدید به تعطیل روابط سیاسی کنیم. اشکالی هم نمی‌دیدیم، و شاید هنوز هم نمی‌بینیم، که عناصر معترض آنها و یا معترضان فراری خودمان را تعقیب و بی‌اعتنا به مقررات بین‌المللی در کشورهای خارجی ترور کنیم! اما قرآن صریحاً تعقیب دشمنان مسلحی را که موضع بی‌طرفی اتخاذ کرده و یا به قومی (کشوری) پناهنده می‌شوند که مسلمانان با آنها پیمان دارند، نهی کرده است.

## نگاه کنید به آیه ۹۰ سوره نساء (درباره منافقین مسلح):

«باستثنای کسانی که متصل (پناهنده) می‌شوند به قومی که میان شما و ایشان پیمانی برقرار است، یا (با این تعهد) به سراغ شما می‌آیند که نسبت به جنگ با شما یا گروه خود بی‌علاقه‌اند (از مبارزه کنار کشیده‌اند)؛ اگر خدا می‌خواست آنان را بر شما مسلط می‌کرد که با شما بجنگند؛ پس اگر از تعرض کنار گرفته‌اند و ابراز مسالمت کردند، خداوند هیچگونه راه تعرضی برای شما علیه آنها قرار نداده است».

وقتی قاتل فراری خودی را به احترام مقررات داخلی یک کشور تحت پیمان نمی‌توان تعقیب و تنبیه کرد، ما چگونه به خود اجازه می‌دهیم شهروندی بیگانه را که به معتقدات ما معترض است محکوم به مرگ نماییم؟



دیروز انگلیس بود ؛ امروز هلند است ؛ فردا نوبت کیست؟....

---

(۱) سوره آل عمران آیه ۱۸۶

(۲) سوره مائده آیه ۱۳

(۳) سوره نساء آیه ۱۴۰

(۴) سوره انعام آیه ۱۰۸

(۵) سوره نحل آیه ۱۲۵

(۶) از جمله شورا ۴۰ - مؤمن ۴۰ - انعام ۱۶۰ - بقره ۱۹۴ و نحل ۱۲۶